

جایگاه پداگوژی در تدریس و فرآیند یاددهی-یادگیری

حورا صدرائی

دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی-آموزگار ابتدایی شهرخوی

hoora.1373@gmail.com

چکیده-باتوجه به اینکه حوزه تدریس و فرآیندهای یاددهی و یادگیری به طور مداوم و مستمر در حال تغییر، تحول و توسعه هستند، به نظر می رسد که آموزش و پرورش باید در جست و جوی یافتن راه حل برای مسائل پیچیده ی انسان امروزی باشد که روزه روز بر پیچیدگی آن افزوده می شود. در همین راستا باید به دنبال راه حل هایی بود که این نهاد را از پرورش انسان هایی که دارای معلومات زیاد اما قدرت ادراک کم هستند رها نید، به گونه ای که معلمان باید فراگیران را با مطالب یادگرفتنی درگیر سازند، راه و روش دانستن را به آنها بیاموزند نه اینکه صرفا به انتقال اطلاعات و معلومات اکتفا کنند. پداگوژی حوزه تحقیقاتی و کاربردی وسیعی در علوم تربیتی دارد که به تبیین راه هایی در جهت بهبود و اثربخشی فرآیند یاددهی-یادگیری می پردازد. تحقیق حاضر به لحاظ هدف جز تحقیقات کاربردی است که به شیوه ی مروری انجام شده است و هدف آن پرداختن به جایگاه پداگوژی در تدریس و فرآیند یاددهی-یادگیری می باشد.

کلمات کلیدی: پداگوژی، تدریس، یاددهی-یادگیری

۱. مقدمه

می دهد. بنابراین، اگر آموزگاران در حد امکان فضایی مناسب و مطمئن در کلاس پدید آورند و از روش های آموزشی فعال و اکتشافی در کلاس بهره گیرند، یادگیرندگان را در راستای بهره برداری از نیروی خلاق خویش یاری نموده اند [1]. آنچه در برنامه درسی اهمیت دارد، این است که یک برنامه درسی، اگر با بهترین کیفیت طراحی گردد، اما به خوبی اجرا نگردد، کارایی نخواهد داشت. در بحث اجرای برنامه درسی آنچه اهمیت شایانی پیدا می کند، استاد یا آموزش دهنده به عنوان مجری برنامه درسی است [2]. دانش معلم درباره محتوای درس یکی از صلاحیت های لازم برای حرفه معلمی به حساب می آید. تسلط بر موضوع درسی آنقدر واضح است که امری مسلم فرض شده است به هر حال براهمیت تسلط بر موضوع درسی تاکید شده و عنوان می شود که چگونه ضعف در تدریس می تواند ناشی از عدم درک معلم از موضوع تدریس باشد [3].

در فرآیند یاددهی-یادگیری، ارتباط و تعامل میان یاددهنده و یادگیرنده نقش بسزایی را داراست، که در بهبود آن، توانایی معلمان، با انتخاب بهترین روش یاددهی-یادگیری، متناسب با اهداف محتوا، یادگیرنده و نوع ارزشیابی، بسیار حائز اهمیت است. از طرفی، باتوجه به فرآیند یادگیری فعال، نقش سنتی آموزش بر پایه انتقال اطلاعات و معلم محوری، به چگونه آموختن، تعامل، همکاری و رابطه دوسویه میان معلم و فراگیران متحول شده، که در آن نقش معلم خلاق از (دانشوری در صحنه) به (مدد رسانی در حاشیه) تغییر یافته و به عبارتی دیگر معلم به تسهیل کننده در یادگیری بدل شده است. از این رو نقش معلم تشنه کننده است، نه سیراب کننده؛ معلم خلاق، ذهن کودک را از تعادل و سکون و ارضای موجود خارج می کند تا خود فرد از طریق قانون اصل تعادل جویی به تعادل برسد. اینگونه معلمان، با نشان دادن رفتار خلاق از خود، محیط های کلاسی را به وجود می آورند که خلاقیت را ارتقا